

سه شنبه 28 مرداد 1398 - 18 ذی الحجه 1440 - 20 آگوست

آغاز دوره پنجم مشروطه و دوران سیاه دیکتاتوری شاه و سلطه آمریکا (1332 ق)



آغاز دوره پنجم مشروطه و دوران سیاه دیکتاتوری شاه و سلطه آمریکا (1332 ق)، به دنبال کودتای آمریکایی 28 مرداد 1332 و متلاشی شدن نهضت ملی و حضور بلامنازع آمریکا در ایران، دوره پنجم مشروطه همراه با دوران سیاه دیکتاتوری محمدرضا شاه و سلطه آمریکا در ایران آغاز شد. رژیم شاه و استعمار آمریکا در پی رسیدن به آرامش داخلی و امنیت مورد نظر در سطح منطقه، آخرین نفوس و اشیاء؛ های حق و خواسته و معترض آیت الله کاشانی را با دستگیری ایشان بریدند و فدائیان اسلام را که با تفکر و خط مشی اسلامی، علیه اقدامات رژیم به فعالیت مسلحانه دست زده بودند، اعدام و تشکیلات جوان آنان را متلاشی کردند. رژیم شاه برای حفظ موقعیت خود و سرکوب جنبش و قیام مردمی و قیام ملت، با کمک مستشاران آمریکایی، دست به تشکیل سازمان مخوف و جهنمی ساواک زد و دست آن را در انجام هر جنایتی باز گذاشت. از سال 1332، یک بار دیگر قدرت استبداد و سلطه استعمار، موجب شکل و گیری دیکتاتوری پهلوی گردید. این دوره سیاه که دومین دوره دیکتاتوری دودمان پهلوی است تا سال 1357 به مدت 25 سال ادامه یافت و در نهایت با فراگیر شدن نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره)، متلاشی شد.

تغییر نام پیمان بغداد به سازمان پیمان مرکزی، موسوم به "سنتو" (1338 ش) سازمان پیمان مرکزی موسوم به سنتو که با شرکت ایران، ترکیه، پاکستان و انگلیس تشکیل شده بود، در این روز، جایگزین پیمان بغداد گردید. اگرچه آمریکا رسماً عضو پیمان سنتو نبود و به عنوان ناظر در جلسات آن شرکت می کرد، اما عملاً در تمامی تصمیمات این پیمان دخالت و نقش مؤثر داشت. در واقع، پیمان سنتو، حلقه مرکزی سیستم نظامی غرب علیه شوروی سابق بود و پیمان و های ناتو در غرب و سیتو در خاور دور را به یکدیگر متصل می کرد. این پیمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی و خروج ایران در سال 1357 ش به حالت تعلیق درآمد و عملاً منحل شد.

اعلام آمریکا مبنی بر اشتباه در حمله به هواپیمای مسافربری ایران (1367) پس از گذشت حدود 45 روز از سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران توسط نظامیان متجاوز آمریکایی در خلیج فارس و کشته شدن 298 نفر از سرنشینان آن، دولت آمریکا در حالی این حمله را اشتباه خواند که پیش از آن به فرمانده ناو

مهاجم آمریکایی مدال شجاعت و لیاقت اعطا کرده بود. اعلام دبیرکل سازمان ملل متحد مبنی بر آغاز آتش و بس میان ایران و عراق (1367 ش) رژیم عراق که تصور نمی کرد، جمهوری اسلامی ایران قطعنامه 598 شورای امنیت را بپذیرد، در قبال پذیرش ایران، به فکر به راه انداختن جنگی دوباره بود. بنابراین با حمله گسترده به مناطق مرزی، قصد پیشروی به خاک ایران را داشت که با مقاومت نیروهای ایرانی، این حملات خنثی گشت. از آن پس مذاکرات طولانی با سازمان ملل با مسئولان سیاسی ایران و عراق آغاز شد و سرانجام در نهمین جلسه ملاقات با دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، خاویر پرز دیکوئیرا، در شانزدهم مرداد 67، وزیر خارجه ایران، پاسخ جمهوری اسلامی ایران را مبنی بر قبول برقراری آتش و بس اعلام کرد. پس از آن، دبیر کل سازمان ملل متحد، تاریخ 29 مرداد 1367 برابر با 20 اوت 1988 م را برای برقراری آتش و بس عنوان نمود.

پایان طوفان نوح و قرار گرفتن کشتی حضرت نوح (ع) در کوه جودی
پایان طوفان نوح و قرار گرفتن کشتی حضرت نوح (ع) در کوه جودی
حضرت نوح اولین پیامبر اوالو العزم الهی است که مدت رسالت او به تصریح قرآن مجید نهصد و پنجاه سال بوده است و در این مدت طولانی جز تعداد اندکی که گفته شده حدود چهل نفر مرد و چهل نفر زن بودند کسی به او ایمان نیاورده و همگی راه کفر و الحاد را در پیش گرفتند و او را بسیار آزار نمودند و حتی زن و یکی از فرزندان حضرت نوح نیز به او ایمان نیاورده بطوریکه حضرت نوح قوم خود را نفرین کرد و به خداوند چنین گفت: "Isaquo; Isaquo; و قال نوح رب لاتذر علی الارض من الکافرین دیارا"؛ سوره نوح پروردگارا احدی از کافرین را بر روی زمین باقی مگذار. خداوند نیز به او وحی فرستاد که به دستور و الهام ما شروع به ساختن کشتی نما و درباره هیچ یک از این کفار شفاعت مکن که همه آنها غرق خواهند شد. "Isaquo; Isaquo; و اضع الفلک باعینا و وحینا و لاتخاطبنی فی الذین ظلموا انهم مغرقون"؛ کافرین و قوم نوح چون بر او می گذشتند که مشغول ساختن کشتی است او را به استهزاء گرفته مسخره می کردند تا اینکه کار ساختن کشتی پایان رسید. این کشتی از سه طبقه تشکیل شده بود یک طبقه برای چهارپایان و یک طبقه برای پرندگان و مرغان و یک طبقه برای آدمیان و نشانه آغاز طوفان جوشیدن آب از محل تنور خانه حضرت نوح بود که در کوفه واقع شده بود. "Isaquo; Isaquo; فلما جاء امرنا و فارالتنور"؛ قرآن مجید پس زمانی که امر ما رسید و تنور جوشید به نوح وحی شده که در کشتی سوار شده و مومنین نیز سوار شده و از هر حیوان و پرنده ای یک جفت در کشتی سوار کند. "Isaquo; Isaquo; قلنا احمل فیها من کل زوج انثین"؛ به نوح گفتیم سوار شود از هر زوج جفتی را در کشتی حمل کن و آب از آسمان بارید و از زمین

جوشید و آنقدر از آسمان و از زمین آب جوشید بطوریکه کوهها را نیز در بر گرفت تا اینکه آسمان و زمین به امر خداوند از بارش و جوشش آب فرو گذاشته و کشتی نوح بر کوه جودی آرام گرفت و حضرت نوح و مؤمنین همراه او از کشتی بیرون آمده و در زمین منزل نمودند. در هنگام طوفان که آب از آسمان و زمین همه جا را گرفته بود نوح فرزند خود را میان آب دید به او گفت ای فرزند بیا با ما سوار کشتی شو. او گفت: من به کوه پناه می برم تا مرا از آب حفظ کند. نوح گفت امروز هیچ نگهدارنده ای جز خداوند نیست و در این حال موجی آمد و فرزندش را غرق کرد. نوح به خدا عرض کرد: پروردگارا این فرزند از اهل من است و وعده تو نیز حق است زیرا خداوند وعده کرده بود که کفار را غرق و اهل نوح را نجات می دهد). خداوند فرمود: انه لیس من اهلک؛ او از اهل تو نیست بلکه او «عمل صالح» غیر صالح؛ یعنی مجسمه ناصالحی است به تو موعظه می کنم که از نادانان نباش، و نوح از خداوند درخواست عفو کرد. قرآن کتاب مقدس مسلمانان، می گوید که کشتی نوح بر روی کوه «جودی» نشسته است. کوهی که در حال حاضر کشتی مورد نظر بر آن قرار دارد به ترکی «کودی» داغ یا همان کوه «جودی» نام دارد. [در منابع اسلامی آمده است که محل کوه جودی در منطقه موصل است. مثلاً در کتاب «الدر المنثور» از امام کاظم(ع) نقل شده که «جودی کوهی است در موصل». رجوع به نقشه جغرافیایی نشان می دهد که نزدیکترین محل معروف و شناخته شده در عصر ائمه به کوه

آزارات، منطقه موصل در شمال عراق است- انصاف]

گلستان شدن آتش نمرود بر حضرت ابراهیم خلیل(ع)

گلستان شدن آتش نمرود بر حضرت ابراهیم خلیل(ع)

عظمت حضرت ابراهیم خلیل(ع) به حدی است که وی همواره موجب نزاع یهودی و مسیحیت و اسلام بوده است و هر یک، آن حضرت را از خود می داند. از این رو، خدای متعال او را مربوط به هیچ یک از ادیان ندانسته و او را مسلمان معرفی می کند. ابراهیم(ع) حتی میان مشرکان، مکانی بلند داشت و آثار وی در مکه مکرمه مورد زیارت و تقدیس آنان قرار می گرفت. نسب حضرت ابراهیم(ع) تا حضرت آدم(ع) در تورات آمده است. نسب نامه های تورات به کتب اسلامی نیز راه یافته و بدون دقت در اصل و منشأ آن پذیرفته شده است. به عقیده اهل کتاب (در نتیجه جمع بندی حوادث کتاب مقدس) حضرت ابراهیم(ع) حدود 2000 سال قبل از میلاد، یعنی حدود 4000 سال پیش در شهر «اور» به دنیا آمد. به گفته تورات، او در آغاز «ابرام» یعنی پدر بلندمرتبه نامیده می شد. خدای متعال نام وی را در سن نود و نه سالگی به ابراهیم یعنی پدر اقوام، تبدیل کرد. شهر اور نزدیک یک قرن پیش در عراق در ساحل «فرات» از زیر خاک بیرون آمد و آثار باستانی بسیاری در آن جا یافت شد. به گفته تورات پدر حضرت ابراهیم(ع) که «تارح» نامیده می شد، پسر خود ابراهیم(ع) و همسر وی «ساره» و نوه خویش حضرت لوط(ع) را برداشت و به سرزمین «کنعان» در غرب فلسطین عزیمت کرد. آنان در بین راه از ادامه سفر منصرف شدند و در شهر «حران» سکونت گزیدند. این شهر در جنوب ترکیه فعلی و در مرز سوریه قرار دارد. پدر حضرت ابراهیم(ع) در تورات تارح خوانده می شود، ولی قرآن مجید وی را «آزر» بت پرست معرفی کرده است (انعام، 74). پدر حضرت ابراهیم(ع) در سلسله اجداد حضرت رسول اکرم(ص) قرار می گیرد. علمای شیعه معتقدند: همه پدران آن حضرت تا حضرت آدم(ع) یکتاپرست بوده اند و به همین دلیل گفته اند: آزر، عموی آن حضرت بوده و استعمال «آب» (پدر) بجای «عم» (عمو) در زبان عربی نادرست نیست. از آن جمله در قرآن کریم (بقره، 133) چنین چیزی دیده می شود. تورات می گوید: حضرت ابراهیم(ع) در 75 سالگی به امر خدا از شهر حران عازم کنعان شد. وی همسر خود ساره و برادرزاده اش حضرت لوط(ع) و چند نفر از مردم حران را برداشت و همگی به کنعان رفتند و در آن جا روی کوهی در شرق «بیت ایل» خیمه زدند. حضرت ابراهیم(ع) پس از چندی در «حبرون» (الخلیل امروزی) ساکن شد و تا آخر عمر در آن جا بود و اکنون مقبره خانوادگی وی در آن مکان است. حضرت لوط (ع) به شهر «سدوم» و شهرهای مجاور آن رفت. مردم آن شهرها به سبب نافرمانی و بی اعتنایی به پیام وی به امر خداوند نابود شدند. این حادثه در قرآن مجید نیز آمده است. دو موضوع بسیار مهم در تاریخ حضرت ابراهیم(ع) وجود دارد که در تورات کنونی اشاره ای به آنها نشده است: یکی جریان بت شکنی و به آتش افکندن وی و دیگری داستان بنای کعبه. قرآن مجید در سوره های انبیا و صافات، داستان بت شکنی و به آتش افکندن او و تبدیل شدن آتش به گلستان را آورده است. در این ماجرا حضرت ابراهیم(ع) برای نشان دادن ناتوانی بت ها آنها را شکست و تبر را بر شانه بت بزرگ گذاشت و به آنها ثابت کرد که این اشیای بی جان لایق پرستش نیستند. «نمرود»، پادشاه اور دستور داد تا آتشی بزرگ شعله ور کنند و ابراهیم(ع) را در آن اندازند. به اذن پروردگار، آتش در برابر چشمان حیرت زده ایشان سرد و خاموش شد و به گلستان تبدیل گردید.

درگذشت "خورشید جی کاما" ایران شناس هندی (1909م)

خورشیدجی رستم جی کاما، از ایران&rlm؛شناسان معروف پارسی هند و متخصص در زبان و ادبیات پهلوی و خطشناسی میخی، در 11 نوامبر سال 1829م در شهر بمبئی هند به دنیا آمد. وی پس از تکمیل تحصیلات مقدماتی خود در هند، به اروپا سفر کرد و زبان&rlm؛های فرانسوی، آلمانی، پهلوی و اوستایی و خط میخی را فرا گرفت. کاما در همین زمان، کار تطبیق گرامر و دستور زبان&rlm؛های ایرانی و سانسکریت را به انجام رساند. وی پس از بازگشت به هند، برای رسمی ساختن زبان پهلوی در تحصیلات دانشگاهی کوشش فراوانی کرد و سرانجام موفق شد که این زبان را در امتحانات ورودی دانشگاه و مقاطع بالاتر دانشگاهی در رشته زبان، رسمی سازد. کاما هم&rlm؛چنین در علوم عقلی جهان ایران باستان، تبحر فراوانی یافت و به تدریس پرداخت. کاما، علاوه بر ادبیات، در علوم اجتماعی، گیاه&rlm؛شناسی، شیمی و علم نجوم نیز مهارت داشت و به عنوان یک سخنران زبردست از نفوذ کلام ویژه&rlm؛ای برخوردار بود. خورشید جی رستم جی کاما سرانجام در بیستم اوت 1909م در هشتاد سالگی درگذشت. 27 سال پس از مرگ کاما، مؤسسه&rlm؛ای با موضوع خاورشناسی به نام وی دایر گردید که امروزه به عنوان یک مرکز برجسته

تحقیقاتی مورد استفاده و محل رجوع دانشمندان می‌باشد. این مؤسسه علاوه بر انتشار ده‌ها کتاب در زمینه‌های گوناگون خاورشناسی و ایران‌شناسی، مجموعه مقالات کاما را در دو جلد گردآوری و عرضه نموده است.